

## بررسی رابطه بین اعتقاد و مشارکت اجتماعی درنواحی روستایی شهر کاشان

مصطفی ازکیا

استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

غلامرضا غفاری

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

### چکیده

در این مقاله چگونگی پیوند بین اعتقاد اجتماعی و مشارکت اجتماعی بررسی و تحلیل شده است. هدف این بررسی بیان خاستگاه فکری و نظری این دو مفهوم به منزله مقایم کلیدی و نرم ادبیات علوم اجتماعی از حیث نظری و نیز چگونگی سنجش عملی آنها و در نهایت آزمون تجربی ارتباط بین آن دو در حوزه مطالعه است. در آغاز با بیان سرچشمه‌های فکری این دو مفهوم جایگاه آنها در اندیشه برخی از نظریه پردازان علوم اجتماعی مشخص شده است. سپس ابعاد نظری اعتقاد و مشارکت اجتماعی در ادبیات جامعه‌شناسی کاوش شده است که اغلب گواهی به وجود نوعی رابطه متعامل بین این دو مفهوم است. با بیان مؤلفه‌های مربوط به اعتقاد در دو سطح اعتقاد بین افراد و اعتقاد به نهادها و سازمان‌ها و نیز تعیین اجزای مربوط به مشارکت اجتماعی تعریف عملی و آزمون تجربی آنها امکان‌پذیر و در نهایت با جمع‌آوری داده‌های لازم از حوزه مطالعه ارتباط بین آن دو اندازه‌گیری شده است. استنباط آماری از داده‌ها نشان دهنده وجود نوعی همبستگی معنادار، در سطح اطمینان ۹۹ درصد، بین دو متغیر اعتقاد اجتماعی و مشارکت اجتماعی است.

**واژگان کلیدی:** اعتقاد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، اعتقاد تعمیم یافته، اجتماع اخلاقی

## مقدمه

مفاهیم اعتماد اجتماعی<sup>۱</sup> و مشارکت اجتماعی<sup>۲</sup> از مفاهیم کلیدی جامعه‌شناسی هستند. هر دو مفهوم از آغاز طرح مباحثه شناختی، اندیشه بسیاری از کلاسیک‌های جامعه‌شناسی را به خود معطوف داشته‌اند. «به نظر آیزنشتاد<sup>۳</sup> مهمترین مسئله نظم اجتماعی برای دورکیم و تاحدوی توئیس، اعتماد و همبستگی اجتماعی است، یعنی اینکه بدون انسجام و نوعی اعتماد، پایداری نظم اجتماعی ممکن نیست» (چلبی ۱۳۷۵، ص ۱۲). زتمکا<sup>۴</sup> که در میان جامعه‌شناسان معاصر مبحث اعتماد اجتماعی را مورد عنایت ویژه قرارداده، معتقد است توجه به اعتماد اجتماعی ایده جدیدی نیست بلکه یک جریان فکری چندین قرنی است. به نظر او «برخورداری جامعه جدید از ویژگی‌های منحصر به فردی چون آینده‌گرایی، شدت وابستگی متقابل، گستردگی و تنوع جوامع، تزايد نقش‌ها و تمایز اجتماعی، بسط نظام انتخاب، پیچیدگی نهادها و افزایش ابهام، ناشناختگی و تقویت گمنامی، وغیریه بودن نسبت به محیط اجتماعی، توجه به اعتماد اجتماعی و نقش آن در حیات اجتماعی را واقعیتی جدی نموده است. علاوه براین به نظر زتمکا در حوزه علوم اجتماعی شاهد رشد نوعی جهت‌گیری فرهنگ گرایانه<sup>۵</sup> هستیم که در خود نوعی چرخش از مفاهیم سخت<sup>۶</sup> به مفاهیم نرم<sup>۷</sup> را دارد. چنین چرخشی زمینه توجه عمیق‌تر به مفاهیم اعتماد را به دنبال داشته است. به نظر او در طی دودهه گذشته شاهد موج جدیدی از مباحثه مربوط به اعتماد در مفاهیم علوم اجتماعی به ویژه جامعه‌شناسی هستیم.

لومان<sup>۸</sup>، باربر<sup>۹</sup>، آیزنشتاد، کلمن<sup>۱۰</sup>، هارдин<sup>۱۱</sup>، گیدنز<sup>۱۲</sup>، فوکویوما<sup>۱۳</sup> و سلیگمن<sup>۱۴</sup> از آندیشمتدانی هستند که در دودهه اخیر توجه ویژه‌ای به مبحث اعتماد اجتماعی داشته‌اند.» (زتمکا ۱۹۹۹، صص ۱۲-۵).

- |                              |                         |
|------------------------------|-------------------------|
| 1. Social Trust              | 2. Social Participation |
| 3. Eisenstadt                | 4. Sztompka             |
| 5. Culturalistic Orientation | 6. Hard                 |
| 7. Soft                      | 8. Luhman               |
| 9. Barber                    | 10. Coleman             |
| 11. Hardin                   | 12. Giddens             |
| 13. Fukuyama                 | 14. Seligman            |

مطالعه مشارکت اجتماعی نیز دارای سابقه دیرینه‌ای است. به نظر پارکر<sup>۱</sup> «درآغاز مشارکت اجتماعی به مثابه بعدی از منزلت اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر این مشارکت به عنوان ابزاری برای خودشکوفایی (وارینر<sup>۲</sup> و پراسر<sup>۳</sup> ۱۹۶۵)، حامی تکثرگرای در جوامع توده‌ای (نیزیت<sup>۴</sup> ۱۹۵۷، کورنوزر<sup>۵</sup> ۱۹۵۹)، کاتالیزوری برای وحدت اجتماع محلی (هاری<sup>۶</sup> ۱۹۷۰)، جایگزینی برای پیوندهای تضعیف شده خانواده و کلیسا (ویرث<sup>۷</sup> ۱۹۳۸) را یزمن (۱۹۵۴) عامل جامعه پذیری سیاسی و نظام‌های دینی غالب (وارینر و پراسر ۱۹۶۵، اولسون ۱۹۷۲) دیده شده است» (پارکر ۱۹۸۳، ص ۸۶۴).

به نظر میدگلی «مشارکت اجتماعی نیز ایده‌ای کاملاً ایدئولوژیکی است که بازتاب اعتقادات ناشی از نظریه‌های اجتماعی و سیاسی در خصوص اینکه جوامع چگونه باید سازماندهی شوند، می‌باشد. منطق آن مبتنی بر واکنش دربرابر تمرکز گرایی، دیوانسالاری، انعطاف ناپذیری و دردسترس نبودن دولت است. و با این اعتقاد مورد حمایت واقع شده که قدرت دولت به گونه‌ای بسط و گستردگی فزاینده‌ای پیداکرده که باکنترل بر امور جوامع حقوق و آزادیهای مردم عادی را تقلیل داده است» (میدگلی ۱۹۸۳، ص ۶۴). به نظر اولسن<sup>۸</sup> «نظریه مشارکت اجتماعی حاصل ایده گستردۀ کثرت گرایی اجتماعی<sup>۹</sup> است که نظریه پردازانی چون توکویل<sup>۱۰</sup> (۱۹۶۱)، تروممن<sup>۱۱</sup> (۱۹۵۱) دال<sup>۱۲</sup> (۱۹۵۶)، لیپست<sup>۱۳</sup> و دیگران (۱۹۵۶)، کورنوزر<sup>۱۴</sup> و نیزیت<sup>۱۵</sup> (۱۹۶۲) توسعه داده اند. به نظر او نظریه مشارکت در قالب دو مفهوم بسیج<sup>۱۶</sup> و واسطه بودن<sup>۱۷</sup> به منزله پیش شرط و زمینه مشارکت سیاسی مورد بحث قرار گرفته است» (اولسن، ۱۹۷۲، ص ۳۱۸). کرفت<sup>۱۸</sup> و بیراسفورد<sup>۱۹</sup> تحولاتی چون ظهور جنبش‌های اجتماعی جدید، تأمل و بازنگری در مورد نیاز انسان، ظهور مجدد ایده شهروندی و فرانوگرایی<sup>۲۰</sup> را موجب توجه به ایده مشارکت دانسته‌اند (اولسن و بیراسفورد ۱۹۹۲، ص ۲۲). ولی آنچه به

1. Parker

2. Warriner

3. Prather

4. Nisbet

5. Kornhanser

6. Harry

7. Wirth

8. Olsen

9. Social Pluralism

10. Toqueville

11. Truman

12. Dahl

13. Lipset

14. Kornhauser

15. Nisbet

16. Mobilization

17. Mediation

18. Croft

19. Beresford

20. Postmodernism

صورت عام مورد توجه صاحبنظران قرار گرفته اندیشه‌های مربوط به دموکراسی است که مهمترین تأثیر را، به لحاظ فکری، در گسترش نظریه مشارکت اجتماعی داشته اند. میدگلی که متعقد به الهام بخشی و تأثیر اندیشه‌های مربوط به دموکراسی، که از حق شهروندی در تصمیم‌گیری بحث می‌نمایند، بر نظریه مشارکت است، بر این عقیده است که «الهام نظریه مشارکت اجتماعی از مباحث مربوط به دموکراسی مبتنی بر ایده‌های کلاسیک دموکراسی نمایندگی<sup>۱</sup> (شومپیر ۱۹۴۲؛ دال ۱۹۵۶؛ لوکاس ۱۹۷۶؛ پی نوک ۱۹۷۳) نبوده بلکه مبتنی بر تحول جدید در نظریه دموکراسی یعنی نظریه لیبرال دموکراسی است که به عنوان دموکراسی محله‌ای<sup>۲</sup> شناخته می‌شود. در حقیقت بسیاری از طرفداری و مفسران مشارکت اجتماع محلی نسبت به دموکراسی نمایندگی و امکان آن برای فراهم کردن فرصت‌های واقعی برای دخالت توده‌ها در امور سیاسی کشورهای در حال توسعه شک دارند. در نتیجه با الهام از نظریه دموکراسی محله از ایجاد نهادهایی در مقیاس کوچک برای تحقق آرمانهای سیاسی در روستاهای محله‌ای شهری جهان سوم طرفداری نموده‌اند» (میدگلی ۱۹۸۶، ص ۱۵). علاوه بر این به لحاظ فکری، اندیشه‌های مردمگرا که از در حاشیه قرار گرفتن مردم عادی بحث می‌کنند و نیز نظریه‌های مربوط به آنارشیسم که متناسب دیدگاههای ضد دولت‌گرایی می‌باشد و مهمتر از این به تعبیر چمبرز<sup>۳</sup> «تحول پارادایم‌های توسعه» که از آن به مثابة انتقال از پارادایم اشیا به پارادایم مردم یاد می‌کند، در بسط نظریه مشارکت اجتماعی نقش بسزایی داشته‌اند. به نظر چمبرز در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ پارادایم اشیا بر مباحث توسعه حاکم بود که برایجاد زیر ساخت‌های بزرگ، صنعتی شدن امور آبیاری تأکید می‌کرد و اقتصاددانان و مهندسان با پارادایم ریاضی و طبیعی از بالا به پایین قواعد، رویه‌ها و شیوه‌ها را تعیین می‌کردند. با ورود تعدادی از دانشمندان اجتماعی و نیز کمک برخی از آژانس‌های بین‌المللی، گسترش روش‌های مشارکتی، دخالت مردم شناسان اجتماعی و سازمانهای غیردولتی شاهد انتقال از پارادایم اشیا به پارادایم مردم هستیم که محور توسعه را مردم و به خصوص فقرا قرار می‌دهند. البته در سطح نظری تحول به خوبی صورت گرفته است ولی در عمل همچنان واقعیت از بالا به پایین جریان و حاکمیت دارد» (چمبرز ۱۹۹۷، ص ۳۲۳). علاوه بر زمینه‌های فکری مطرح شده در بالا و تأثیر آنها بر غنای نظریه مشارکت، برخی از فعالیتهای عملی نیز در تقویت و بسط این نظریه مؤثر بوده‌اند.

«مددکاری اجتماعی<sup>۱</sup> و رادیکالیسم محلی<sup>۲</sup> در الهام بخشی به نظریه مشارکت بسی تأثیر نبوده‌اند اگر چه مددکاری اجتماعی مربوط به مسایل افراد نیازمند و خانواده‌هایشان می‌شود لیکن تأکید عمدۀ اش بر سازماندهی و بسیج مردم برای بهبود تسهیلات محلی<sup>۳</sup> و خدمات اجتماعی است. رادیکالیسم محلی چون فعالیتهای آلینسکی<sup>۴</sup> در دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ در شیکاگو که مردم محلی را به یاری سازمانهای محلی موجود بسیج می‌کرد و به آنها استفاده از شیوه‌های مختلف مواجه با سازمانهای دولتی و منافع تجاری مربوط به آنها را آموزش می‌داد، نیز مؤثر بر نظریه مشارکت اجتماعی بوده‌اند» (میدگلی، همان، صص ۲۱-۱۹).

علاوه بر میراث فکری و عملی فوق تلاش سازمانهای بین‌المللی، از جمله سازمان ملل و به خصوص انتشار آثاری چون، مشارکت همگانی در توسعه<sup>۵</sup> در سال ۱۹۷۱، که مروری بر ظهور ایده مشارکت با عطف به برنامه عمران محلی در جهان سوم بود و کتاب مشارکت همگانی در تصمیم‌گیری برای توسعه<sup>۶</sup> در ۱۹۷۵، که از چگونگی اجرای مشارکت بحث می‌نماید و نیز تلاش علمی « مؤسسه پژوهش برای توسعه اجتماعی وابسته به سازمان ملل» و نشست‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی و تلاش‌های یونیسف، یونسکو و سازمانهای غیردولتی در سطوح بین‌المللی و ملی در تطور و بسط اندیشه‌های مربوط به مشارکت نقش داشته‌اند.

## ابعاد نظری و عملی

### اعتماد اجتماعی

اعتماد در متن کنش‌های انسان نمود پیدا می‌کند، به خصوص در آن دسته از کنش‌های جهت‌گیری معطوف به آینده دارند و آن نوعی رابطه کیفی است که به تعبیر کلمن «قدرت عمل کردن را تسهیل می‌کند» (کلمن ۱۳۷۷، ص ۲۹۷). اعتماد تسهیل کننده مبادلات در فضای اجتماعی است که هزینه مذاکرات و مبادلات اجتماعی را به حداقل می‌رساند و برای حل مسایل مربوط به نظم اجتماعی نقش تعیین کننده‌ای دارد و عنصر پیش قراردادی و مقوم حیات اجتماعی است. به تعبیری «مفاهیم مربوط به اعتماد به طور بالقوه روابط اجتماعی را توصیف می‌نمایند

1. Social Work

2. Community Radicalism

3. Local Amenities

4. Alinsky

5. Popular Participation in Development

6. Popular Participation in Decision\_making for Development

که دربردارنده تمایزات افقی بین حوزه‌های مربوط به فضای عمومی و شخصی است. برای مثال فوکویاما (۱۹۹۵) از اعتماد به مثابه شاخصی برای بیان سرمایه اجتماعی<sup>۱</sup> در معنای ارزش‌های جمیع شبکه‌های اجتماعی و اخلاق فرهنگی، که بنیاد رشد و ثبات اقتصادی را تشکیل می‌دهند، استفاده می‌نماید. سلیگمن (۱۹۹۷) «برداشت دوگانه‌ای را از اعتماد توسعه داده است که اشاره به زمینه‌های مختلف برای رابطه بین افراد در حوزه شخصی و اشکال نهادی شده اعتماد در فضای عمومی دارد. به نظر سلیگمن اعتماد مسأله‌ای است که در فرایند انتقال از روابط شخصی و غیررسمی بین افراد به اشکال نهادی و عمومی شده در فضایی که به وسیله قرارداد، قانون و مبادله متقابل انباسته شده محصور گردیده است. فوکویاما به یک برداشت تعمیم یافته از اعتماد توجه دارد که آن را برحسب انتظار حاصل شده در درون یک اجتماع هنجارمند، که مبتنی بر رفتار تعاونی و هنجارهای مشترک است، تعریف می‌نماید. اوسلانر<sup>۲</sup> در ۱۹۹۷ نیز اعتماد تعمیم یافته<sup>۳</sup> را با ایده سرمایه اجتماعی، که با ارزش‌های مشترک، منافع شخصی و شکل دهی به پایه‌های کنش جمیع پیوند دارد، تعریف می‌نماید. نتیجه اینکه اولاً روابط اعتماد از طریق اراده گرایی<sup>۴</sup> مشخص می‌گردد و ثانیاً اعتماد با ارزش‌های مشترک پیوند دارد. ثالثاً اعتماد به طور بالقوه با روابط مبتنی بر قرارداد و اجبار صرف ناسازگار است» (تونکیس<sup>۵</sup> و پازی<sup>۶</sup>، ۱۹۹۹، ص ۲۵۸)

زتو مکانیز با طرح این موضوع که دیدگاه فرهنگ گرا جامعه بالقوه و پویا را به اتحاد و جمع منافع تقلیل نمی‌دهد بلکه آن را به منزله یک اجتماع اخلاقی مورد توجه قرار می‌دهد می‌گوید، «اجتماع اخلاقی کمتر با سازمان رسمی سروکار دارد بلکه با احساس تعلق، اعتماد و مسئولیت و احساس وظیفه نسبت به دیگرانی که با آنها ارزشها، منافع و هدفهای مشترک دارند سروکار دارد. اجتماع اخلاقی شیوه خاص ارتباط داشتن با دیگران است که آن را به صورت «ما» تعریف کرده‌اند. مقوله «ما» با سه الزام اخلاقی اعتماد، وفاداری و اشتراک مساعی با دیگران تعریف می‌شود. مطابق با این تفسیر در اجتماع اخلاقی سه مؤلفه اصلی وجود دارد که اولین آن اعتماد، یعنی انتظار عمل صادقه از دیگران نسبت به خودمان، داشتن است. دومین آن وفاداری یعنی التزام به عدم نقض اعتماد نسبت به کسانی است که به ما اعتماد کرده‌اند و برای انجام وظایف، به واسطه اعتماد شخصی ایشان، پیشقدم شده‌اند. سومین مؤلفه آن تجانس یعنی توجه به منافع

- 1. Social Capital
- 3. Generalized
- 5. Tonkiss

- 2. Uslaner
- 4. Voluntarism
- 6. Passey

دیگران و آمادگی انجام وظیفه نمودن از طرف دیگران است، حتی اگر انجام آن وظیفه با منافع شخصی مان در تعارض باشد» (زتمکا، همان، ص ۵).

«به نظر آلموند<sup>۱</sup> و وربا<sup>۲</sup> اعتماد به یکدیگر شرط تشکیل روابط ثانوی است (اینگلهارت ۱۳۷۳، ص ۲۴). زتمکا نیز اعتماد را نوعی شرط بندی نسبت به کنش‌های متحمل دیگران درآینده می‌داند» (زتمکا، همان، ص ۶۷).

اعتماد اجتماعی<sup>۳</sup> دلالت بر انتظارها<sup>۴</sup> و تعهدات<sup>۵</sup> اکتسابی و تأیید شده به لحاظ اجتماعی که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمانها و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعی شان دارند، تعریف شده است. و قرین با رابطه متقابل تعمیم یافته<sup>۶</sup> می‌باشد.

باتوجه به فضای مفهومی مطرح شده و استفاده از مدل پاکستان<sup>۷</sup> (پاکستان ۱۹۹۹، ص ۱۰۵) که با پیروی از پوتنم<sup>۸</sup>، ب瑞هم<sup>۹</sup> و راهن<sup>۱۰</sup> اعتماد را به منزله یکی از مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی در نظر می‌گیرد، اعتماد در قالب دو مقوله؛ اعتماد به افراد و اعتماد نهادها و سازمانها با معروف‌های مربوط به هر مقوله تعریف شده‌اند.

برای مقوله اعتماد به افراد با توجه به ابعاد مطرح شده از مقیاسی با<sup>۹</sup> گویی در قالب طیف برش قطبین استفاده شده است که مجموع نمره‌های این طیف ۱۸ می‌باشد که نشان دهنده نمره‌های افراد در دامنه تغییرات صفر تا ۱۸ است. گویه‌های این طیف در جدول زیر آورده شده است.

- 1. Almond
- 3. Social Trust
- 5. Commitments
- 7. Paxton
- 9. Brehm

- 2. Verba
- 4. Expectations
- 6. Generalized Reciprocity
- 8. Putnam
- 10. Rahn

جدول طیف سنجش اعتماد اجتماعی در بین روستاییان

گویه‌ها	اصل ۰ ۲	تا حدودی ۱ ۱	زیاد ۲+ ۰-	گویه‌ها
نسبت به یکدیگر اعتماد ندارند				نسبت به یکدیگر اعتماد دارند
روی قول و قرارشان هستند				روی قول و قرارشان نیستند
به نظر یکدیگر اهمیت نمی‌دهند				به نظر یکدیگر اهمیت می‌دهند
ظاهر و باطنشان یکی هست				ظاهر و باطنشان یکی نیست
نسبت به یکدیگر احساس مسئولیت نمی‌کنند				نسبت به یکدیگر احساس مسئولیت می‌کنند
رک و پوست کنده حرف می‌زنند				رک و پوست کنده حرف می‌زنند
وسایل کار را به یکدیگر امانت نمی‌دهند				وسایل کار را به یکدیگر امانت می‌دهند
به نظر یکدیگر اهمیت نمی‌دهند				به نظر یکدیگر اهمیت می‌دهند
به یکدیگر پول قرض نمی‌دهند				به یکدیگر پول قرض می‌دهند

و برای مقوله دوم که آن را تحت عنوان رضایت از دولت مطرح نموده‌ایم، دلالت بر میزان مقبولیت<sup>۱</sup>، کارایی<sup>۲</sup> و اعتمادی است که مردم روستا به دولت دارند. به لحاظ عملیاتی میزان رضایت از دولت بر حسب ارزیابی که مردم از مأموران دولتی که در قالب ادارات، ارگانها و نهادهای مختلف با مردم روستایی ارتباط دارند، مورد سنجش قرار گرفته است. زیرا به تعبیر دوگان<sup>۳</sup> انعکاس فقدان اعتماد به نهادها در غالب موارد نتیجه بی اعتمادی به افرادی است که عهده‌دار امور آن نهادها هایند (دوگان ۱۳۷۴، ص ۱۰). در اینجا نظر و ارزیابی روستاییان به طور عام وکلی نسبت به کلیت عملکرد رفتاری مأموران دولتی مورد نظر است، نه به صورت مجزا و منفک برای ارگانی خاص، که این ارزیابی از طریق مقیاس برش قطبیان زیر که حاوی ۱۰ گویه می‌باشد مورد سنجش قرار گرفته است.<sup>۴</sup>

1. Acceptability

2. Efficiency

3. Dogan

4. گویه‌های این طیف با تغییراتی از کتاب سنجش گرایش روستاییان نسبت به جهاد سازندگی اثر دکتر فرامرز رفیع پور گرفته شده‌اند.

## طیف سنجش رضایت روساییان از دولت (ارزیابی مأموران دولتی)

گویه‌ها	اصل ۰ ۲	تا حدودی ۱ ۱	زیاد ۲+ ۰-	گویه‌ها
با آدم با گرمی و خوش رویی برخوردمی کنند				با آدم با گرمی و خوش رویی برخوردنمی کنند
آدمهای درستکار و صادقی هستند				آدمهای کلک و درغگوبی هستند
خیلی کند هستند و آدم را سر می دوانند				زودکار آدم را راه می اندازند
آدمهای زحمتکشی هستند				آدمهای تنبیل و راحت طلبی هستند
روی قول و قرارشان نیستند				به حرفشان عمل می کنند
بیشتر به فقرامی رسند				بیشتر به پولدارها می رسند
اصلایه حرفهای مردم روسناگوش نمی دهند				بیشتر به حرف مردم واهمانی روسناگوش می دهند
در کارشان پارتی بازی نیست				در کارشان پارتی بازی هست
مردم قبولشان ندارند				مردم قبولشان دارند
به کارشان وارد نیستند				به کارشان واردند

## مشارکت اجتماعی

مشارکت<sup>۱</sup> از نظر لغوی بر وزن مفاعله به معنای شرکت دو جانبه و متقابل افراد برای انجام امری می باشد. از منظر جامعه شناختی مشارکت نوعی فرایند تعاملی چند سویه است. فرهنگ انگلیسی آکسفورد مشارکت را، کنش یا واقعیت شرکت داشتن و سهم داشتن معنی کرده است که در این معنامشارکت می تواند.

- مقطوعی<sup>۲</sup>؛ معطوف به هدف خاص و یابخشی از حیات اجتماعی باشد.
- پایدار<sup>۳</sup>؛ با هدف از پیش تعریف شده و یا ناظر بر بخش خاصی از زندگی اجتماعی باشد.
- اخلاقی<sup>۴</sup> یا غیراخلاقی<sup>۵</sup>؛ مبتنی بر هدفهای مثبت یا هدفهای شرو رانه باشد.
- تحمیلی<sup>۶</sup> یا داوطلبانه و آزاد<sup>۷</sup> باشد.

- کنترل شده<sup>۸</sup> و یا خودجوش<sup>۹</sup> باشد» (رهنما<sup>۱۰</sup> ۱۹۹۹، ص ۱۱۶).

- |                  |                 |
|------------------|-----------------|
| 1. Participation | 2. Transitive   |
| 3. Intransitive  | 4. Moral        |
| 5. Immoral       | 6. Forced       |
| 7. Free          | 8. Manipulative |
| 9. Spontaneous   | 10. Rahnema     |

به نظر هال<sup>۱</sup> «تعارض بین دیدگاههای عملگرایانه<sup>۲</sup> و دیدگاههای عمدتاً فلسفی از مشارکت موجب شده که مفهوم مشارکت تبدیل به یک مفهوم چند وجهی و در طی زمان با معنای متفاوتی هویدا شود» (هال ۱۹۸۸، ص ۹۳). در نتیجه مشارکت مردمی در معنای عام خود همانند سایر واژگان حوزه علوم اجتماعی - انسانی تحت شرایط اجتماعی متفاوت معانی متعددی پیدا نموده و پرسشها بی چون فعالیت مشارکتی تا چه حد ضروری و مطلوب است؟ هدفهای آن چه هستند؟ آیا مشارکت در مقام اجرا است و یا در مقام تصمیم‌گیری نیز می‌باشد؟ از پرسشها بی هستند که بر حسب تعریف مشارکت پاسخهای مختلفی دریافت نموده‌اند (ملل متحده ۱۹۸۸، ص ۲۹۱). به نظر آلن بیرو<sup>۳</sup> از منظر جامعه‌شناسی «باید بین مشارکت به عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) و به عنوان حالت یا وضع (امر شرکت کردن) تمیز قائل شد. مشارکت در معنای اوّل داشتن شرکتی فعالانه در گروه را می‌رساند و به فعالیت اجتماعی انجام شده نظر دارد و در معنای دوم از تعلق گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن خبر می‌دهد» (بیرو ۱۳۶۶، ص ۲۷۵). «مشارکت عمومی را می‌توان به عنوان یک نظام خود وکیلی و به عنوان متشکله یک نظام جدید نمایندگی محسوب کرد» (دشتی ۱۳۷۶، ص ۱۶۴). از منظر نظام‌مندی و کارکردی مشارکت را «سازوکاری برای بقا، توسعه و تعالی نظام اجتماعی دانسته‌اند که توسعه نیافتن ساختارهای لازم برای مشارکت و نهادی کردن آن به انراض نظام اجتماعی و سقوط سیاسی آن می‌انجامد» (مردوخی ۱۳۷۳، ص ۷۱).

مشارکت را نوعی کنش هدفمند نیز دانسته‌اند که در فرایند تعاملی بین کنشگر و محیط اجتماعی او درجهت نیل به هدفهای معین و از پیش تعیین و تعریف شده نمود پیدا می‌کند. درنگاهی دیگر مشارکت را فرایند آگاهانه تقسیم قدرت و منابع کمیاب و فراهم سازی فرصت برای رده‌های پایین جمعیتی برای بهبود شرایط زندگی آنها عنوان نموده‌اند. وقتی مشارکت را به منزله فراگرد نیرومند سازی در نظر می‌گیریم مشارکت مبتنی بر سه ارزش «سهیم کردن مردم در قدرت و اختیار، راه دادن مردم برای نظارت بر سرنوشت خویش و بازگشودن فرصت‌های پیشرفت به روی رده‌های زیرین جامعه خواهد بود. حاصل آن تسهیل در شنیدن صدای دیگران، احساس مالکیت نمودن، از میان بردن حاشیه نشینی، نیرومند ساختن ناتوانان و در هم شکستن فرهنگ سکوت خواهد بود» (طوسی ۱۳۷۰، ص ۸).

مشارکت را به مثابه نوعی کنش ارتباطی نیز درنظر می‌گیرند که مبتنی بر فهم متقابل است

1. Hall

2. Pragmatic

3. Allen Biro

«آن چنان‌که هابرماس کنش معطوف به فهم متقابل یا کنش ارتباطی را نوع اصلی کنش اجتماعی دانسته و معتقد است که هر شکل از کنش اجتماعی دیگر که معطوف به سلطه یا اعمال نفوذ محض باشد یک شکل اشتقاچی از کنش اجتماعی است و به صورت انگلی بر روی کنش ارتباطی به حیات خود ادامه می‌دهد» (راملا<sup>۱</sup> و برویدلاکروز<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰، ص ۲۷۵).

دراینجا برای درک مناسب‌تر فضای مفهومی مشارکت به برخی از تعاریف آن اشاره می‌شود.

گائوتری در تعریف مشارکت می‌نویسد «مشارکت فرایندی اجتماعی، عمومی، یکپارچه، چندگانه، چند بعدی و چند فرهنگی است که هدف آن کشاندن همه مردم به ایفای نقش در همه مراحل توسعه است» (گائوتری ۱۹۸۶، ص ۳۷).

آرنشتاین<sup>۳</sup> «مشارکت را نوعی توزیع مجدد قدرت می‌داند که به سبب آن، شهروندانی را که در حال حاضر در فرایند سیاسی و اقتصادی کنار گذاشته شده‌اند، قادر می‌سازد تا به تدریج در آینده شرکت داده شوند» (اوکلی و مارسدن ۱۳۷۰، ص ۳۳).

به نظر یومالل<sup>۴</sup> «مشارکت در مفهوم گسترده‌اش برانگیختن حساسیت مردم و در نتیجه به معنی افزایش درک و توان آنان برای پاسخگویی به طرحهای توسعه و نیز به معنای تشویق ابتکارات محلی است» (پاتریک ۱۳۷۴، ص ۱۱۹).

سازمان ملل در ۱۹۸۱ مشارکت را «ایجاد فرصتهايی که همه اعضای یک اجتماع محلی و جامعه بزرگتر را قادر به مشارکت فعال و مؤثر در فرایند توسعه و بهره برداری از ثمرات و منافع توسعه نماید، تعریف نموده است» (ملل متحده ۱۹۸۱، ص ۵).

مؤسسه تحقیقاتی ملل متحد برای توسعه اجتماعی<sup>۵</sup> مشارکت را «کوشش‌های سازمان یافته برخی از گروهها و جنبش‌هایی که تاکنون از حیطه اعمال چنین کنترلی محروم و مستثنی بوده‌اند، برای افزایش کنترل بر منابع و نهادهای نظم دهنده در شرایط اجتماعی معین تعریف می‌کند» (ولف<sup>۶</sup>، ۱۹۸۳، ص ۲). این تعریف نسبت به تعریف‌هایی که سازمانهای بین‌المللی مطرح کرده‌اند دارای اهمیت بیشتری است.

اوکلی برای تعریف مشارکت به بیان سه تفسیر در خصوص مشارکت می‌پردازد که

1. Ramella

2. Bravodelacruz

3. Ornstein

4- Umalelc

5. UNRISD

6. Wolf

عبارت‌اند از «۱) مشارکت به عنوان سهم<sup>۱</sup> داشتن که معتقد است این تفسیر در مورد پروژه‌های بهداشتی، تأمین آب، جنگلداری، منابع طبیعی، امور زیربنایی در جهان سوم که دارای هدفهای از پیش تعیین شده‌ای می‌باشند صادق است؛ ۲) مشارکت به عنوان سازمان<sup>۲</sup> که در این تفسیر سازمان به منزله ابزار و ساز و کار اصلی مشارکت مطرح گردیده و بر تشکیل تعاونیها، مؤسسه‌های کشاورزی، کمیته‌های مربوط به مدیریت آب و غیره تأکید می‌شود؛ و ۳) مشارکت به عنوان توامندسازی<sup>۳</sup>، در این تفسیر به بهره‌مند شدن مشارکت‌کنندگان از مهارت، دانش، قابلیت‌های توسعه‌ای و توان تصمیم‌گیری تأکید می‌شود» (اوکلی<sup>۴</sup> و همکاران ۱۹۹۹، صص ۸-۹).

رحمان در تعریف مشارکت می‌نویسد «مشارکت مردمی به معنای کوشش و تلاش جمعی در یک زمینه سازمانی است که اعضا با ائتلاف منابع در صدد دستیابی به هدفهایان هستند. در نتیجه مشارکت یک فرایند فعال است که هریک از مشارکت‌کنندگان به واسطه اندیشه، تأمل و نظارت فعالشان به اقدام و عمل مشارکتی ترغیب می‌شوند. او در بیان مفاهیم کلیدی این تعریف به مواردی اشاره می‌کند که از آن جمله است: ۱) مشارکت فعالیت سازمان یافته از طرف مردم متعدد و متعدد است که واحد اولیه آن را متقاعد شدن افراد به کنش جمعی تشکیل می‌دهد؛ ۲) مبادرت به کنش و عمل جمعی داشتن؛ ۳) تفکر و تأمل مستقیم نسبت به کارها و فعالیتها داشتن؛ و ۴) نظارت بر فرایند مشارکت نمودن» (رحمان ۱۹۹۳، ص ۱۵۰).

مشارکت سازمان یافته اقتصادی و اجتماعی با برنامه‌های مشارکت مردمی<sup>۵</sup> مورد نظر فائو «که هدف آنها درگیر ساختن فعال مردم در برنامه‌های توسعه و سازماندهی طبقات پایین مردم روستایی است و برای اجرای برنامه‌های مشارکت مردمی بر مؤلفه‌هایی چون تمرکز بر تهییدستان روستایی، مشارکت زنان در توسعه، گروههای کوچک، نمایندگان اجرایی، کمیته‌های هماهنگ کننده نیروهای بومی پروژه، گروههای ترویج، تولید در آمد و پس انداز، اعتبارات، آموزش، ارزیابی مشارکتی و خوداتکایی اصرار دارد» (فائو ۱۳۷۶، ص ۴۵) ارتباط تنگاتنگی دارد. سالیما نیز از راهبرد تأسیس نهادهای غیر مرکز به مثابه نهادهای مشارکتی یاد می‌کند. منظور از تأسیس نهاد را «ایجاد سازوکارهایی می‌داند که به طور مستمر و پایدار در اختیار مردم هستند تا درباره مسائل و مشکلاتی که با آنها مواجهند به بحث پردازند. چنین

1. Contribution

2. Organization

3. Empowerment

4. Oakley

5. People Participation Programs

نهادهایی می‌توانند به سادگی کمیته‌های همسایگی یا به پیچیدگی یک بانک تعاونی باشند» (سالیما ۱۳۶۵، ص ۱۲۳).

مشارکت اجتماعی دلالت بر گسترش روابط بین گروهی در قالب انجمنهای داوطلبانه، باشگاهها، اتحادیه‌ها و گروههایی دارد که معمولاً خصلتی محلی و غیر دولتی دارند؛ که در قالب سیاستهای اجتماعی مشارکت و درگیر ساختن مردم در فرایندهای اجتماعی مختلف را هدف خود می‌دانند. به عبارتی مشارکت اجتماعی «به آن دسته از فعالیتهای ارادی دلالت دارد که از طریق آنها اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا شرکت کرده و به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند» (محسنی تبریزی ۱۳۶۹، ص ۱۰۸). تعدد و گسترده‌گی سازمانهای محلی و غیر دولتی در یک جامعه شاخص و مبین وجود مشارکت اجتماعی در آن جامعه است؛ تا جایی که جامعه مدنی به واسطه بسط و گسترش مشارکت‌های اجتماعی و نهادهای مدنی تعریف می‌شود. نهادهای مدنی تشکل‌های مردمی غیر دولتی هستند که در حدفاصل توده‌های مردم با دولت به وجود آمده‌اند و بخشی از مردم را برای دستیابی به یک هدف مشخص، و در یکی از حوزه‌های اجتماعی سازماندهی می‌نمایند. «دامنه فعالیت این نهادها، که به منظور مشارکت سازمان یافته مردم تشکیل می‌شوند بسیار گسترده است. اتحادیه‌های صنفی، احزاب سیاسی، بنگاههای اقتصادی، خصوصی، شرکتهای تعاونی، گروههای هنری، مطبوعات، مؤسسه‌های خیریه و حتی اجتماعات محلی مشتمل بر ساکنان یک خیابان و محله می‌توانند مثالهایی از نهادهای مدنی باشند (دانشمندی ۱۳۷۷، ص ۱۷۰).

«سعدالدین ابراهیم از بیشینه سازی مشارکت جمعی سازمان یافته اختیاری در عرصه عمومی بین افراد و دولت به عنوان جامعه مدنی یاد می‌کند» (چلبی ۱۳۷۵، ص ۲۸۸). مشارکت اجتماعی با مشارکت مردمی قربات شدیدی دارد؛ زیرا اولاً مشارکتی است که از متن جامعه بر می‌آید، ثانیاً عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی را در بر می‌گیرد. چنین مشارکتی در برنامه‌های عمران اجتماعی<sup>۱</sup>، به خصوص روستاهای جایگاه ویژه‌ای دارد که غفلت از آن و فراهم نساختن بسترها لازم برای بسط و بهره‌گیری مناسب از آن برنامه‌های عمران اجتماعی را در دچار مشکل و نارسایی می‌نماید.

بنابراین مشارکت اجتماعی را می‌توان فرایند سازمان یافته‌ای دانست که افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن هدفهای معین و مشخص، که منجر به سهیم

شدن در منابع قدرت می‌گردد، تعریف کرد.

نمود عینی چنین مشارکتی وجود نهادهای مشارکتی چون انجمنها، گروهها، سازمانهای محلی و غیردولتی هستند.

یکی از مقیاسهایی که به لحاظ عملی برای سنجش مشارکت اجتماعی در ادبیات مشارکت مورد توجه قرار گرفته است، مقیاس مشارکت اجتماعی چپین<sup>۱</sup> است که حاوی مقوله‌های تعلق (عضویت) سازمانی حضور در نشست‌ها، کمک‌های مالی، عضویت در کمیته‌ها و داشتن مسؤولیت (منصب) است که به ترتیب برای هریک از مقوله‌ها نمره‌های ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ را تخصیص می‌دهیم. با جمع کردن این نمره‌ها از مجموع سازمانهایی که فرد با آنها در ارتباط است، نمره مشارکت اجتماعی او تعیین می‌گردد.

«درانتقاد به این مقیاس عنوان شده که فقط مشارکت اجتماعی رسمی<sup>۲</sup> را اندازه‌گیری می‌کند و مشارکت اجتماعی غیررسمی را نادیده می‌گیرد. با وجود این به کرات مورد استفاده پژوهشگران قرار گرفته است» (پارکر ۱۹۸۳، ص ۸۶۵).

بالهای از مقیاس چپین مشارکت اجتماعی در جامعه مورد مطالعه، بر حسب مقوله‌هایی که در زیر اشاره می‌شود؛ مورد سنجش قرار گرفته است:

(۱) عضویت در مجتمع مشارکتی (برای هر مجتمع یک نمره)

(۲) موقعیت مشارکتی در هر مجتمع؛

عادی (نمره ۱)، فعال (نمره ۲)، دارای مسؤولیت (نمره ۳)

(۳) مشارکت در اجرا

- مشارکت در طرحهای عمرانی (برای هر طرح یک نمره)

(۴) مشارکت در تصمیم‌گیری

- شرکت در جلسات مجتمع مشارکتی (بلی ۱ و خیر ۰)

- ارایه نظر و پیشنهاد در مورد طرحها (بلی ۱ و خیر ۰)

## حوزه تحقیق

مناطق روستایی شهر کاشان، که بر مبنای سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵

می باشد حوزه مورد مطالعه را تشکیل داده است. با بهره گیری از فنون نمونه گیری و طبقه بندی روستاهای درسه گروه روستاهای با امکانات توسعه‌ای پایین، متوسط و بالا ۱۳ روستا انتخاب شد که ۴۰۶۶ خانوار را تحت پوشش داشتند. از این جامعه نیز نمونه‌ای به حجم ۱۷۰ خانوار تعیین و به روش پیمایشی با استفاده از تکنیک مصاحبه حضوری مستقیم<sup>۱</sup> مورد تحقیق قرار گرفته و داده‌های مورد نیاز، برای شناسایی چگونگی توزیع و سهم روابط بین متغیرهای تحقیق، از سرپرست خانوارها به مثابه واحدهای تحلیل، جمع آوری شده است.

## چگونگی توزیع و روابط بین متغیرها

### الف. توزیع متغیرها

#### اعتماد اجتماعی

میزان اعتماد اجتماعی در بین روستاییان با استفاده از طیف برش قطبین نه گویه‌ای زیر اندازه گیری شده که چگونگی توزیع درصدی پاسخهای افراد مورد مطالعه به گویه‌های این طیف و بار هر گویه در جدول زیر آورده شده است.

جدول توزیع درصدی و بار پاسخهای افراد مورد مطالعه به گویه‌های طیف اعتماد اجتماعی

بار	گویه‌ها	زیاد	ناحدودی	اصلأ	گویه‌ها
۰/۵۲	ظاهر و باطنشان یکی نیست	۲۷/۱	۶۱/۸	۱۱/۲	۱. ظاهر و باطنشان یکی است
۰/۸۳	نسبت به یکدیگر اعتماد ندارند	۳۵/۹	۵۷/۶	۶/۵	۲. نسبت به یکدیگر اعتماد دارند
۰/۸۱	روی قول و قرارشان هستند	۳۶/۵	۵۸/۸	۴/۷	۳. روی قول و قرارشان نیستند
۰/۸۲	به نظر یکدیگر اهمیت نمی‌دهند	۳۴/۷	۶۰/۶	۴/۷	۴. به نظر یکدیگر اهمیت می‌دهند
۰/۵۱	نسبت به یکدیگر احساس مسؤولیت نمی‌کنند	۳۸/۲	۵۰	۱۱/۸	۵. نسبت به یکدیگر احساس مسؤولیت نمی‌کنند
۰/۷۷	ضمانت مالی یکدیگر را نمی‌کنند	۳۵/۹	۵۸/۲	۵/۹	۶. ضمانت مالی یکدیگر را می‌کنند
۰/۷۴	رک و پوست کنده حرف نمی‌زنند	۳۶/۵	۵۵/۳	۸/۲	۷. رک و پوست کنده حرف می‌زنند
۰/۷۶	به یکدیگر پول فرض نمی‌دهند	۳۵/۹	۵۷/۶	۶/۵	۸. به یکدیگر پول فرض می‌دهند
۰/۷۸	وسایل کار را به یکدیگر امانت نمی‌دهند	۴۴/۱	۵۳/۵	۲/۴	۹. وسایل کار را به یکدیگر امانت می‌دهند

ماتریس همبستگی درونی بین گویه‌ها و نتیجه تحلیل عامل بر روی این گویه‌ها برای

تعیین اعتبار سازه‌ای طیف به قرار زیر است.

ماتریس همبستگی بین گویه‌های طیف اعتقاد اجتماعی

گویه‌ها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱	۱								
۲	۰/۴	۱							
۳	۰/۴	۰/۷	۱						
۴	۰/۴	۰/۷	۰/۷	۱					
۵	۰/۳	۰/۳	۰/۳	۰/۳	۱				
۶	۰/۴	۰/۶	۰/۵	۰/۶	۰/۳	۱			
۷	۰/۳	۰/۶	۰/۶	۰/۵	۰/۳	۰/۵	۱		
۸	۰/۳	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۴	۰/۶	۰/۵	۱	
۹	۰/۲۵	۰/۵	۰/۶	۰/۶	۰/۳	۰/۵	۰/۶	۰/۷	۱

تمامی گویه‌های طیف به لحاظ همبستگی درونی شان با یکدیگر، دارای همبستگی‌های معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد هستند. تمامی آنها بر مبنای نتایج تحلیل عامل در عامل واحد جمع شده‌اند. مقدار شاخص  $KMO^1$  برابر با ۰/۹ و معناداری آزمون بارتلت<sup>۲</sup>، که دلالت بر قابلیت داده‌ها برای به کارگیری تکنیک تحلیل عامل بر روی آنها دارد. اعتبار سازه‌ای گویه‌ها را در قالب یک طیف برای سنجش مفهوم واحد اعتقاد اجتماعی تأیید می‌نمایند. روایی این طیف نیز با توجه به مقدار ضریب کرونباخ آلفا<sup>۳</sup> که ۰/۸۸ می‌باشد در سطح قابل قبول قرار دارد. مجموع نمره‌های این طیف برابر با ۱۸ می‌باشد. دامنه تغییر آن در جامعه مورد مطالعه ۱۶، میانگین آن ۱۱/۷۱ و واریانس آن ۱۷/۱۹ می‌باشد. پس از تقسیم مجموع نمره‌های طیف به تعداد گویه‌ها و تقسیم آن به سه مقوله با فواصل برابر داده‌های جدول، توزیع زیر حاصل گردید.

#### 1. Kaiser-Meyer-Olin Measure of Sampling Adequacy

مناسب‌ترین آزمون برای تعیین مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عامل می‌باشد که معمولاً مقدار آن برای مناسب بودن داده‌ها باید از ۰/۷ به بالا باشد.

#### 2. Bartlette's Test

این آزمون چنانچه معنادار باشد نشانگر قابلیت داده‌ها برای تحلیل عامل می‌باشد.

#### 3. Cronbach's Coefficient Alpha

ضریب کرونباخ آلفا بین صفر تا یک تغییر می‌نماید. در صورت صفر بودن دلالت بر عدم وجود روایی برای طیف و در صورت برابر با یک بودن دلالت بروجود روایی کامل دارد. معمولاً زمانی که این ضریب بالاتر از ۰/۷۵ باشد روایی طیف را مورد قبول تلقی می‌نمایند.

جدول توزیع فراوانی و درصدی میزان اعتماد اجتماعی در جامعه مورد مطالعه

میزان اعتماد اجتماعی	جمع	زیاد	متوسط	کم
فراآنی مطلق	۱۷۰	۴۰	۱۰۵	۱۴/۷
فراآنی درصدی	۲۳/۵	۶۱/۸	۷۶/۵	۱۴/۷
فراآنی تجمعی	-			

داده‌های جدول فوق حاکی از آن است که میزان اعتماد اجتماعی در بین روستاییان مورد مطالعه در ۱۴/۷ درصد موارد کم، ۶۱/۸ درصد متوسط و ۲۳/۵ درصد زیاد ارزیابی نموده‌اند که مجموع ارزیابی از میزان اعتماد اجتماعی در بین روستاییان دلالت بر میزان اعتماد اجتماعی در سطح متوسط به بالا دارد.

#### رضایت از دولت (رضایت از مأموران دولتی)

میزان رضایت از دولت با استفاده از طیف برش قطبین ده گویه‌ای در قالب ارزیابی پاسخگویان از عملکرد مأموران دولتی مورد اندازه‌گیری قرار گرفته است. چگونگی توزیع درصدی پاسخگویی به گویه‌های این طیف و بار هر گویه در جدول زیر آورده شده است.

جدول توزیع درصدی و نمره بار پاسخگویان به هر گویه

گویه‌ها	کم	ناحدودی	زیاد	بار
۱. با آدم باگرمی و خوش‌رویی برخورد نمی‌کنند	۲/۹	۱	۲	۰/۷۰
۲. آدمهای کلک و دروغگویی هستند	۳/۵	۶۲/۹	۳۳/۵	۰/۶۹
۳. زود کار آدم را راه می‌اندازند	۲۰	۶۵/۳	۱۴/۷	۰/۷۹
۴. آدمهای تنبیل و راحت‌طلبی هستند	۱/۸	۶۶/۵	۳۱/۸	۰/۷۲
۵. به حرفشان عمل می‌کنند	۱۱/۸	۶۳/۵	۲۲/۷	۰/۷۹
۶. بیشتر به پولدارها می‌رسند	۱۲/۹	۶۲/۹	۲۴/۲	۰/۷۹
۷. بیشتر به حرف مردم و اهالی روستا گوش نمی‌دهند	۶/۵	۷۴/۱	۱۹/۴	۰/۷۶
۸. در کارشان پارتی بازی هست	۲۲/۴	۵۵/۲	۲۲/۴	۰/۷۹
۹. مردم قبولشان ندارند	۳۰/۶	۶۴/۷	۴/۷	۰/۴۸
۱۰. حرف حق می‌زنند	۲/۴	۶۳/۵	۳۴/۱	۰/۷۳

ماتریس همبستگی درونی گویه‌های این طیف و نیز نتیجه تحلیل عامل انجام شده بر روی گویه‌ها، برای آزمون اعتبار سازه‌ای طیف به قرار زیر می‌باشد.

ماتریس همبستگی بین گویه‌های طیف رضایت از دولت

گویه‌ها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	۱									
۲	۰/۴۵	۱								
۳	۰/۵	۰/۵	۱							
۴	۰/۵	۰/۵	۰/۴	۱						
۵	۰/۵	۰/۵	۰/۶	۰/۵	۱					
۶	۰/۴	۰/۵	۰/۷	۰/۵	۰/۶	۱				
۷	۰/۵	۰/۴	۰/۶	۰/۵	۰/۶	۰/۵	۱			
۸	۰/۵	۰/۵	۰/۶	۰/۵	۰/۶	۰/۶	۰/۵	۱		
۹	۰/۵	۰/۴	۰/۴	۰/۵	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۱	
۱۰	۰/۴	۰/۴۵	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۷	۱

تمامی گویه‌های این طیف دارای همبستگی معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد می‌باشند. تحلیل عامل بر روی گویه‌ها با توجه به مقدار سنجه KMO که برابر با ۰/۹ است و معناداری آزمون بارتلت قابلیت داده‌ها را برای تحلیل عامل نشان می‌دهد. جمع شدن گویه‌ها در یک عامل دلالت بر اعتبار سازه‌ای گویه‌های طیف برای سنجش مفهوم واحد رضایت از دولت دارد. ضریب کرونباخ این طیف ۰/۹ می‌باشد در نتیجه روایی آن نیز مورد قبول است.

مجموع نمره‌های این طیف ۲۰ می‌باشد. دامنه تغییر آن در جامعه مورد مطالعه ۱۸، میانگین و واریانس آن به ترتیب ۱۱/۷ و ۱۴/۷ می‌باشد. پس از تقسیم مجموع نمره‌های هر پاسخگو به تعداد گویه‌ها و تقسیم آن به سه مقوله با فواصل برابر، جدول توزیع فراوانی زیر به دست آمده است.

جدول توزیع فراوانی و درصدی میزان رضایت از دولت

فراآنی تجمعی	فراآنی درصدی	فراآنی مطلق	میزان رضایت
۱۰/۶	۱۰/۶	۱۸	کم
۶۹/۴	۵۸/۸	۱۰۰	متوسط
۱۰۰	۳۰/۶	۵۲	زیاد
-	۱۰۰	۱۷۰	جمع

داده‌های جدول بالا حاکی است که ۱۰/۶ درصد افراد مورد مطالعه از مأموران دولتی رضایت کم، ۵۸/۸ درصد، بیشتر از نیمی از افراد مورد مطالعه، رضایت متوسط و ۳۰/۶ درصد نیز دارای رضایت زیاد می‌باشند.

باترکیب دو مقوله فوق متغیر اعتماد اجتماعی محاسبه شده است که میانگین آن ۲۳/۳۴ و واریانس آن ۴۵/۰۲ می‌باشد. که پس از تقسیم به تعداد گویه‌ها و تقسیم آن به سه مقوله با فواصل برابر جدول توزیع زیر به دست آمده است

جدول توزیع فراوانی و درصدی میزان اعتماد اجتماعی در جامعه مورد مطالعه

میزان اعتماد اجتماعی	مجموع	فراآنی مطلق	فراآنی درصدی	فراآنی تجمعی
کم	۱۷	۱۵	۸/۸	۸/۸
متوسط	۱۰۳	۱۰۳	۶۰/۶	۶۹/۴
زیاد	۵۲	۵۲	۳۰/۶	۱۰۰
جمع	۱۰۰	۱۰۰	-	-

داده‌های جدول فوق حاکی است که میزان اعتماد اجتماعی درین روستاییان مورد مطالعه در ۸/۸ درصد کم، ۶۰/۶ درصد متوسط و در ۳۰/۶ درصد زیاد ارزیابی شده است.

### مشارکت اجتماعی

#### الف. عضویت مشارکتی

میزان و چگونگی توزیع افراد مورد مطالعه بر اساس تعدد عضویت آنها در مجتمع مشارکتی چون تعاونی روستا، خانه همیار، تعاونی تولید روستا، تعاونی فرش، شورای روستا، گروههای هم آب سنتی (قناات و چشمه) و مدرن (چاه عمیق)، انجمن اولیا و مربیان مدرسه، انجمن اسلامی، پایگاه بسیج و... در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول توزیع فراوانی مطلق و درصدی افراد مورد مطالعه  
برحسب تعدد عضویت در مجتمع مشارکتی

موارد	تعداد	درصد	درصد تجمعی
بک تا سه مجمع	۵۸	۳۴/۱	۳۴/۱
چهار تا شش مجمع	۹۰	۵۲/۹	۸۷
هفت مجمع و بیشتر	۲۲	۱۳	۱۰۰
جمع	۱۷۰	۱۰۰	-

داده‌های جدول بالا حاکی است که ۳۴/۱ درصد افراد مورد مطالعه در یک تا سه مجمع از مجتمع مشارکتی عضویت داشته‌اند، ۵۲/۹ درصد، بیشتر از نیمی از افراد مورد مطالعه، در چهار

تا شش مجتمع مشارکتی و فقط ۱۳ درصد آنها در هفت مجتمع و بیشتر از آن عضویت داشته‌اند. دامنه تغییر، میانگین و واریانس این متغیر در شکل فاصله‌ای آن به ترتیب  $4/5$ ،  $10$ ،  $4/6$  و  $3/6$  می‌باشد.

### ب. موقعیت مشارکتی

وضعیت افراد مورد مطالعه بر مبنای موقعیت مشارکتی آنها در مجتمع مشارکتی بر حسب سه مقوله عضویت عادی، فعال و دارای مسؤولیت با وزن‌های یک، دو و سه دارای دامنه تغییر  $15$ ، میانگین  $5/2$  و واریانس  $7/7$  می‌باشد که توزیع نمره‌های آنها پس از رتبه‌بندی مجدد در سه مقوله عادی، فعال و دارای مسؤولیت به صورت جدول زیر می‌باشد.

جدول توزیع فراوانی مطلق و درصدی افراد مورد مطالعه بر حسب موقعیت مشارکتی

موقعیت مشارکتی	تعداد	درصد	درصد تجمعی
عادی	۱۲۶	۴۷/۱	۴۷/۱
فعال	۳۳	۱۹/۴	۹۳/۵
دارای مسؤولیت	۱۱	۶/۵	۱۰۰
جمع	۱۷۰	۱۰۰	-

داده‌های جدول فوق حاکی است که  $47/1$  درصد افراد مورد مطالعه، نزدیک به نیمی از آنها، دارای موقعیت عادی در مجتمع مشارکتی هستند، یعنی فقط عضویت این مجتمع را دارند،  $19/4$  درصد دارای موقعیت فعال هستند بدین معنا که در تشکیل، حفظ و ارتباط با مجتمع فعالیتی فراتر از عضویت صرف را به عهده دارند و در نهایت فقط  $6/5$  درصد آنها در مجتمع مشارکتی که در آن عضویت دارند، دارای مسؤولیت هستند.

### ج. مشارکت در اجرا

مشارکت در اجرا در قالب مشارکت در طرحهای عمرانی، به لحاظ تعداد طرح، مورد توجه قرار گرفته است.

دامنه تغییر مشارکت در طرحهای عمرانی  $13$ ، میانگین  $2/32$  و واریانس  $2/4$  می‌باشد. صورت طبقه‌بندی شده این متغیر در جدول زیر آورده شده است.

جدول توزیع فراوانی و درصدی افراد مورد مطالعه بر حسب شرکت در تعداد طرحهای عمرانی

درصد تجمعی	درصد	تعداد	تعداد طرح
۷/۱	۷/۱	۱۲	هیچ
۶۰	۵۲/۹	۹۰	یک طرح
۹۳/۵	۳۳/۵	۵۷	دو طرح
۱۰۰	۶/۵	۱۱	سه طرح و بیشتر
-	۱۰۰	۱۷۰	جمع

بر اساس داده‌های جدول بالا ۷/۱ درصد افراد مورد مطالعه در هیچ طرح عمرانی مشارکت نداشته‌اند. تقریباً ۵۳ درصد آنها، بیشتر از نیمی از افراد مورد مطالعه، حداقل در یک طرح عمرانی مشارکت داشته‌اند، ۳۳/۵ درصد آنها در دو طرح و ۶/۵ درصد آنها در اجرای سه طرح و بیشتر مشارکت داشته‌اند.

#### د. مشارکت در تعداد طرحهای عمرانی

دامنه تغییر مشارکت در طرحهای عمرانی ۱۳، میانگین ۲/۳۲ و واریانس ۲/۴ می‌باشد. صورت طبقه‌بندی شده این متغیر در جدول زیر آورده شده است.

جدول توزیع فراوانی و درصدی افراد مورد مطالعه بر حسب شرکت در تعداد طرحهای عمرانی

درصد تجمعی	درصد	تعداد	تعداد طرح
۷/۱	۷/۱	۱۲	هیچ
۶۰	۵۲/۹	۹۰	یک طرح
۹۳/۵	۳۳/۵	۵۷	دو طرح
۱۰۰	۶/۵	۱۱	سه طرح و بیشتر
-	۱۰۰	۱۷۰	جمع

بر اساس داده‌های جدول بالا ۷/۱ درصد افراد مورد مطالعه در هیچ طرح عمرانی مشارکت نداشته‌اند. تقریباً ۵۳ درصد آنها، بیشتر از نیمی از افراد مورد مطالعه، حداقل در یک طرح عمرانی مشارکت داشته‌اند، ۳۳/۵ درصد آنها در دو طرح و ۶/۵ درصد آنها در اجرای سه طرح و بیشتر مشارکت داشته‌اند.

### ح. مشارکت در تصمیم‌گیری

مشارکت در تصمیم‌گیری در قالب دو مقوله، دفعات شرکت در جلسات مجتمع مشارکتی، ارایه نظر و پیشنهاد در جلسات مربوط به طرحهای عمرانی و اجتماعی مورد سنجش قرار گرفته است. چگونگی توزیع مربوط به هر یک از این مقوله‌ها به صورت زیر می‌باشد.

### و. شرکت در جلسات مجتمع مشارکتی

دامنه تغییر شرکت در تعداد جلسات برای افراد مورد مطالعه ۱۱، میانگین ۳/۵ و واریانس آن ۴/۳ می‌باشد. جدول زیر چگونگی توزیع این متغیر را در شکل طبقه‌بندی شده‌آن، نشان می‌دهد. معمولاً جلسات به صورت دوره‌ای، فصلی یا سالیانه، برای افراد عضو هر یک از مجتمع، تشکیل می‌شود.

جدول توزیع فراوانی مطلق و درصدی افراد مورد مطالعه  
بر حسب شرکت در جلسات مجتمع مشارکتی

درصد تجمعی	درصد	تعداد	موارد
۴/۱	۴/۱	۷	هیچ
۳۳/۵	۲۹/۴	۵۰	یک تا دو بار
۷۲/۴	۳۸/۸	۶۶	سه تا چهار بار
۱۰۰	۲۷/۶	۴۷	پنج بار و بیشتر
-	۱۰۰	۱۷۰	جمع

داده‌های جدول بالا حاکی است که ۴/۱ درصد افراد در هیچ یک از جلسات شرکت نکرده‌اند. ۲۹/۴ درصد در یک تا دو جلسه، ۳۸/۸ درصد در سه تا چهار جلسه و ۲۷/۶ درصد در پنج جلسه و بیشتر شرکت کرده‌اند.

### ز. ارایه نظر و پیشنهاد در جلسات

ارایه نظر و پیشنهاد در جلسات، که دلالت بر مشارکت در نظام تصمیم‌گیری دارد، متغیری است که در جامعه مورد مطالعه دارای دامنه تغییر ۷، میانگین ۱/۳۶ و واریانس ۲ می‌باشد. پس از طبقه‌بندی این متغیر جدول زیر به دست آمده است.

جدول توزیع فراوانی مطلق و درصدی افراد مورد مطالعه بر حسب ارایه پیشنهاد در جلسات طرح

درصد تجمعی	درصد	تعداد	تعداد پیشنهاد
۳۵/۹	۳۵/۹	۶۱	هیچ
۶۰/۶	۲۴/۷	۴۲	یک بار
۸۰/۶	۲۰	۳۴	دو بار
۹۲/۴	۱۱/۸	۲۰	سه بار
۱۰۰	۷/۶	۱۳	چهار بار و بیشتر
-	۱۰۰	۱۷۰	جمع

بر مبنای داده‌ای جدول فوق تقریباً ۳۶ درصد افراد مورد مطالعه در نظام تصمیم‌گیری مربوط به طرحهای عمرانی هیچ نقشی نداشته‌اند، ۲۴/۷ درصد فقط یک بار، ۲۰ درصد دوبار، ۱۱ درصد سه بار و فقط ۷/۶ درصد چهار بار و بیشتر با ارایه نظر و پیشنهاد در نظام تصمیم‌گیری مربوط به طرحهای عمرانی مشارکت داشته‌اند.

باترکیب مقوله‌های فوق نمره مشارکت اجتماعی، برای هریک از افراد، محاسبه شده است. که میانگین و واریانس این نمره در جامعه مورد مطالعه به ترتیب ۱۶/۸۸ و ۵۴/۴۱ می‌باشد در جدول زیر توزیع نمره‌های افراد مورد مطالعه، در قالب سه مقوله، با فواصل برابر نشان داده شده است.

جدول توزیع فراوانی درصدی میزان مشارکت اجتماعی در جامعه مورد مطالعه

فراوانی تجمعی	فراوانی درصدی	فراوانی مطلق	میزان مشارکت
۳۵/۹	۳۵/۹	۶۱	کم
۸۳/۵	۴۷/۶	۸۱	متوسط
۱۰۰	۱۶/۵	۲۸	زیاد
--	۱۰۰	۱۷۰	جمع

ملاحظه می‌شود که براساس داده‌ای جدول فوق میزان مشارکت اجتماعی در میان ۳۵/۹ درصد افراد مورد مطالعه کم، ۴۷/۶ درصد متوسط و برای ۱۶/۵ درصد به میزان زیاد می‌باشد.

### ب. روابط بین متغیرها

بررسی رابطه بین دو متغیر، میزان اعتماد اجتماعی به مثابه متغیر مستقل و میزان مشارکت اجتماعی روستاییان به مثابه متغیر وابسته از اهداف اصلی نویسنده این مقاله است؛ رابطه‌ای که

در تحقیقات مختلف در اشکال متنوع همبستگی، تعاملی و هم تغییری از حیث نظری و تجربی مورد توجه قرار گرفته است. آنچنان که پوتنام بقا و پایداری تعاون و همکاری هدفمند را درگرو وجود اعتماد اجتماعی و اعتماد را متضمن و در بردارنده پیش بینی رفتار کنشگر مستقل دانسته است (پوتنام ۱۹۹۲، ص ۱۷۸).

به نظر پوتنام اعتماد اجتماعی مهمترین مؤلفه سرمایه اجتماعی است و «همکاری و تعاون داوطلبانه، درجایی که ذخیره و انباشتی اساسی از سرمایه اجتماعی در قالب قواعد تبادل و شبکه‌های تعهد مدنی وجود داشته باشد، به آسانی صورت می‌گیرد. سرمایه اجتماعی دلالت بر صورتها یی، از سازمان اجتماعی چون اعتماد، قواعد و شبکه‌ها دارد که می‌توانند کارآیی جامعه را از طریق کنش‌های متناسب تسهیل نمایند. تعاون خودانگیخته از طریق سرمایه اجتماعی تسهیل می‌شود» (پوتنام، همان، ص ۱۶۷). به نظر زتومکا «اعتماد پیش شرط تعاون و نیز محصول تعاون موفقیت‌آمیز است. آن چنان که برخی از نویسندهاند، اعتماد تسهیل کننده تعاون است یا اعتماد مبنای عاطفی تعاون است» (زتومکا، همان، ص ۶۲). فوکویاما معتقد است: «تقریباً تمام تلاش‌های اقتصادی اعم از اداره کردن یک مغازه کوچک ناایجاد یک شرکت عظیم کامپیوترا، نه به وسیله افراد بلکه به وسیله تشکیلاتی صورت می‌گیرد که لازمه آن همکاریهای اجتماعی است. به نظر اقتصاد دانان، توانایی سازماندهی تشکیلات اقتصادی نه تنها برنهادهایی چون حقوق تجاری، قرارداد و... متکی است بلکه مستلزم مجموعه قوانین و اصول اخلاقی نانوشهایی است که از آن به اساس اعتماد اجتماعی یاد می‌کنیم. وجود اعتماد در میان اعضای یک تشکیلات اقتصادی به میزان بسیار زیادی می‌تواند هزینه آن را کاهش و کارآیی و موفقیت آن را افزایش دهد. فوکویاما، توانایی نیل به سعادت در یک جامعه را در درجه اول به دوام و قوام جامعه مدنی، توانایی افراد جامعه به مشارکت و همکاری در اجتماعات کوچک و بزرگ و مالاً رعایت موازین اخلاقی چون اعتماد، صداقت و اتكاپذیری وابسته می‌داند» (امیری ۱۳۷۴، ص ۱۳).

درجایی که ریا، تزویر، حیله، نفاق در روابط اجتماعی به صورت مسلط وجود دارد، اعتماد اجتماعی جایگاهی نخواهد داشت. و افراد جامعه به جای جمع گرایی واشتراک مساعی و مشارکت دنبال فردگرایی خودخواهانه خواهند بود. در چنین شرایطی «میزان تعمیم پذیری اعتماد اجتماعی متقابل دچار افت قابل ملاحظه‌ای می‌شود. به طوری که کنش گران اجتماعی در پنهان تعاملات اجتماعی احساس امنیت نمی‌کنند. به علاوه کنشگران حقیقی و مجازی نیز که مالک هستند تمایل بیشتری می‌یابند که در عرصه اقتصادی منافع شخصی خود را بدون احساس

تعهد عمومی<sup>۱</sup> نسبت به مصالح جمیع تعقیب نمایند» (چلبی، همان، ص ۱۳۲). راجرز<sup>۲</sup> نیز در مبحث عناصر خرد فرهنگ دهقانی به عنصر عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی در جوامع دهقانی اشاره دارد که با توجه به مطالعات لوئیس<sup>۳</sup> مطرح شده است «وجود روحیه عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی در میان دهقانان به مثابة سدی برای سازمانهای تعاونی واکثر برنامه‌های توسعه روستایی است. فاستر<sup>۴</sup> عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی در میان دهقانان را ناشی از تصور خیر محدود<sup>۵</sup> می‌داند» (ازکیا ۱۳۶۴، ص ۵۷).

داده‌های جمع آوری شده از جامعه مورد مطالعه (روستاهای شهر کاشان) نیز دلالت بروجود رابطه معنادار، در سطح اطمینان ۹۹ درصد، بین دو متغیر میزان اعتماد اجتماعی و میزان مشارکت اجتماعی دارند. میزان همبستگی بین این دو متغیر ۵۲ درصد است که با توجه به مثبت بودن میزان همبستگی نوع رابطه بین دو متغیر از نوع رابطه مستقیم است. یعنی، با افزایش میزان اعتماد اجتماعی مشارکت اجتماعی نیز افزایش پیدا کرده است. علاوه بر این آن چنان که آمارهای زیرنشان می‌دهند اعتماد اجتماعی با تمامی معرف‌های تشکیل دهنده متغیر وابسته تحقیق دارای همبستگی معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد می‌باشد. میزان همبستگی اعتماد اجتماعی با هریک از معرف‌ها، یعنی عضویت در تعداد مجتمع مشارکتی، موقعیت مشارکتی، شرکت در جلسات، شرکت در طرحهای عمرانی و ارایه نظر و پیشنهاد در جلسات مربوطه به طرحهای عمرانی به ترتیب ٪ ۴۱، ٪ ٪ ۴۶، ٪ ٪ ۳۴ و ٪ ٪ ۴۰ می‌باشد.

- 
1. Public Commitment
  3. Lewis
  5. Limited Good

2. Rogers
4. Foster

## نتیجه

اعتماد اجتماعی به منزله یکی از مفاهیم نرم علوم اجتماعی که قدرت عمل کردن را تسهیل می‌نماید و مقوم نظم و انسجام اجتماعی است، دلالت بر انتظارات و تعهدات اکتسابی و تأیید شده به لحاظ اجتماعی دارد، که افراد نسبت به یکدیگر و نهادهای اجتماعی دارند. این مفهوم دراندیشه صاحب نظران مبحث سرمایه اجتماعی به عنوان مهمترین معروف و شاخصه این سرمایه مورد توجه قرارگرفته است. وجود آن در جامعه در حکم قوهای توانمند برای تشکیل و بسط روابط ثانوی است که به فضای عمومی طراوت و بالندگی ویژه‌ای می‌بخشد و جان‌مایه مؤثری برای کنشهای جمعی چون تعاون و مشارکت اجتماعی می‌باشد.

البته این تأثیر بخشی صورتی یک جانبی ندارد بلکه حالتی چند جانبی و متعامل دارد و نوعی رابطه تعاملی بین دو متغیر اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی وجود دارد که هریک مقوم دیگری است و برای این رابطه متعامل، گسترش فضای عمومی است که با تنوع نهادهای مشارکتی و جمعی شناخته می‌شود.

در نتیجه آن چنان که داده‌های این مقاله گواهی می‌دهند با فراتر رفتن میزان اعتماد از محدوده خانواده و نظام خویشاوندی به حوزه‌های بسیط‌تر در مقیاسهای فرامحلی در قلمروهای روستایی، شهری و ملی میزان مشارکت اجتماعی نیز به تبع افزایش میزان اعتماد اجتماعی تعمیم یافته فزونی پیدامی کند. افزایش میزان مشارکت نیز در باز تولید وارتقای اعتماد اجتماعی تعمیم یافته در قالب گسترش صداقت، وفاداری، حسن نیت، وظیفه‌شناسی، وفای به عهد، ثبات دراندیشه و عمل مؤثر خواهد بود. به تعبیری با تقویت اجتماع اخلاقی و تعهد عملی به التزام‌های اخلاقی در سطوح بین فردی، بین فرد و نهادها و نیز بین نهادی، فرایند اعتماد اجتماعی در سطوح اعتماد افراد نسبت به یکدیگر و نیز اعتماد اجتماعی نسبت به نهادهای اجتماعی و مأمورانی که متولی و عامل در این نهادها هستند، قوت لازم را کسب خواهد کرد و زمینه ساز تعاون و مشارکت اجتماعی خواهد بود.

## مأخذ

- ازکیا، مصطفی (۱۳۶۴)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی، انتشارات اطلاعات، تهران.
- اوکلی، پیتر و دیوید مارسدن (۱۳۷۰)، رهیافت‌های مشارکت در توسعه روستایی، ترجمه منصور محمودنژاد، انتشارات جهاد سازندگی، تهران.
- امیری، مجتبی (۱۳۷۴)، پایان تاریخ و بحران اعتماد بازشناسی اندیشه‌های تازه فوکویاما، اطلاعات سیاسی - اقتصادی - شماره ۹۷-۹۸، تهران.
- بیرو، آلن (۱۳۶۶)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، انتشارات کیهان، تهران.
- پاتریک، جی بویل (۱۳۷۴)، برنامه ریزی در فرایند توسعه، ترجمه غلامرضا احمدی و سعید شهابی، انتشارات ققنوس، تهران.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی نظم، نشرنی، تهران.
- دانشمندی، علی (۱۳۷۷)، نقش نهادهای مدنی در توسعه اجتماعی، مجموعه مقالات اولین همایش تدوین برنامه سوم (جلد سوم)، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، تهران.
- دشتی، عبدالله (۱۳۷۶)، دیالکتیک انصباط و خودجوشی نقش نظریه انقلابی ساندیست‌ها در فرهنگ سیاسی و مشارکت مردمی، فصلنامه فرهنگ، شماره ۲۳، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- دوگان، ماتیه (۱۳۷۴)، سنجش مفهوم مشروعیت و اعتماد، ترجمه پرویز پیران، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۹۷-۹۸، تهران.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۲)، سنجش گرایش رهیاستیان نسبت به جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی وزارت جهاد سازندگی، تهران.
- سالیما، عمر (۱۳۶۵)، دموکراسی، تأسیس نهاد و توسعه اجتماعی، برنامه ریزی در سطح محلی و توسعه روستایی، ترجمه عباس مخبر، انتشارات سازمان برنامه بودجه، تهران.
- طوسی، محمدعلی (۱۳۷۰)، مشارکت در مالکیت و مدیریت، انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران.

- فائز (۱۳۷۶)، رهیافت سازماندهی گروههای مردمی و مشارکت در فرایند توسعه روستایی، ترجمه محمود جمعه پور، ماهنامه جهاد، شماره ۱۹۴، وزارت جهاد سازندگی، تهران.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، نشرنی، تهران.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۶۹)، بررسی زمینه‌های مشارکتی روستاییان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی. تهران: معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی، تهران.
- مردوخی، بایزید (۱۳۷۳)، مشارکت مردم در فرایند توسعه و طرحی برای سنجش میزان آن، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۶، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، تهران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۶)، شناسنامه آبادیهای کشور، شهرستان کاشان، انتشارات مرکز آمار ایران، تهران.
- Chambers, R. (1997) General Interaction Participation of Participatory Research and Development, in, *Power and Participatory Development Theory and Practice*, edited by Nici. N. et al., London : Intermediate Technology Publication.
- Croft, S. and P. Bresford (1992) The Politics of Participation. *Journal of Critical Social Policy* , Issue, 35, Vol.12, No.2:20-45.
- Gaotri, H. (1986) Popular Participation in Development, in, *Participation in Development*. Paris: UNESCO.
- Hall, A. (1988) Community Participation and Development Policy: A Sociological Perspective, in, *Development Policies: Sociological Perspectives*, edited by A. Hall and J. Midgely, Manchester: Manchester University Press.
- Midgely, J. et al. (1986) *Community Participation, Social Development and the State*. London: Methuen.
- Oakley, P. et al. (1999) *Protects with People the Practice of Participation in Rural Development*. Geneva: ILO.

- Olsen, E. M. (1972) Social Participation Voting Turnout a Multiple Analysis, *American Sociological Review*, Vol.37. pp. 317-333.
- Parker, R. (1985) Measuring Social Participation. *American Sociological Review*. Vol.84, pp. 864-873.
- Paxton, P. (1999) Is Social Capital Declining in the United States?: A Multiple Indicator Assessment. *American Sociological Journal*. Vol.105, No. 1, pp. 88-127.
- Putnam, R. D. et al. (1992) *Making Democracy Work*. New Jersey: Princeton University Press.
- Rahnama, M. (1993) *People's Self Development*. London: Zed Books.
- Ramella, M. and B. L. Rose (2000) Taking Part in Adolescent Sexual Health Promotion in Peru: Community Participation from a Social Psychological Perspective. *Journal of Community and Applied Social Psychology*, Vol. 10, Issue 4, pp. 271-284.
- Sztompka, P. (1999) *Trust a Sociological Theory*. Cambridge: Cambridge University Press.
- United Nations (1988) *Local Social Development Planning*, Vol. 1, Japan: Nargora.
- Wolf, M. (1983) *Participation the View from above*. Geneva: UNRISD.